



بخش آموزش رسانه تفریحی سنتر

**کلیک کنید**  [www.tafrihicenter.ir/edu](http://www.tafrihicenter.ir/edu)

نمونه سوال  گام به گام

امتحان نهایی  جزوه

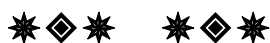
دانلود آزمون های آزمایشی 

متوسطه اول : هفتم ... هشتم ... نهم

متوسطه دوم : دهم ... یازدهم ... دوازدهم

[www.tafrihicenter.ir](http://www.tafrihicenter.ir)

" متن و ترجمه " درس عربی زبان قرآن (۱) انسانی



﴿ إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ ﴾ الْأَنْبِيَاءُ : ۹۲

بی گمان این امت شماست ؛ امتی یگانه و من پروردگارتان هستم ، پس مرا پرستید.



الدَّرْسُ الرَّابِعُ : درس چهارم ص ۳۶

التَّعَايُشُ السَّلْمِيُّ : همزیستی مسالمت آمیز

لَقَدْ كَانَتْ رِسَالَتُهُ الْإِسْلَامَ عَلَى مَرِّ الْعُصُورِ قَائِمَةً عَلَى أُسَاسِ الْمَنْطِقِ وَاجْتِنَابِ أَيْ إِسَاءَةٍ ؛ فَإِنَّ اللَّهَ يَقُولُ :

قطعا رسالت ( پیام ) اسلام در گذر زمان ها ، بر پایه ( اساس ) منطق و دوری از هرگونه بدی استوار بوده است . زیرا خداوند می فرماید:

﴿ وَلَا تَتَسَوَّى الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ ﴾ فَصَّلَتْ : ۳۴

نیکی و بدی برابر نیستند با شیوه ای ( به گونه ای ) که بهتر است [ بدی ] را دفع کن ، آنگاه کسی که میان تو و او دشمنی است ، گویی دوستی صمیمی می شود .

إِنَّ الْقُرْآنَ يَأْمُرُ الْمُسْلِمِينَ أَنْ لَا يَسْبُوا مَعْبُودَاتِ الْمُشْرِكِينَ وَ الْكُفَّارِ فَهُوَ يَقُولُ : قطعاً قرآن به مسلمانان دستور می دهد که خدایان مشرکان و کافران را دشنام ندهند ( ناسزا نگویند ) ؛ چه آن می فرماید :

﴿ وَلَا تَسْبُوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسْبُوا اللَّهَ ... ﴾ الْأَنْعَامُ : ۱۰۸

و کسانی را که به جای ( غیر ) خدا فرا می خوانند ، دشنام ندهید که به خداوند دشنام دهند. ...

الْإِسْلَامُ يَحْتَرِمُ الْأَدْيَانَ الْإِلَهِيَّةَ : اسلام به دین های الهی احترام می گذارد .

﴿ قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَ لَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئاً ﴾ آل عمران : ۶۴ ؛ بگو ای اهل کتاب ، بیایید به سوی سخنی مشترک میان ما و شما و آن این که جز خدا را نپرستیم و چیزی را شریک او قرار ندهیم .

يُؤَكِّدُ الْقُرْآنُ عَلَى حُرِّيَّةِ الْعَقِيدَةِ : ﴿ لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ ... ﴾ الْبَقَرَةُ : ۲۵۶

قرآن به آزادی عقیده تأکید می کند : « هیچ اجباری در دین نیست .... ».

لَا يَجُوزُ الْإِصْرَارُ عَلَى نِقَاطِ الْخِلَافِ وَ عَلَى الْعُدْوَانِ ، لِأَنَّهُ لَا يَنْتَفِعُ بِهِ أَحَدٌ ؛ پافشاری بر نقاط اختلاف و دشمنی جایز نمی باشد ( نیست ) ؛ زیرا کسی از آن سود نمی برد .

وَ عَلَى كُلِّ النَّاسِ أَنْ يَتَعَاشُوا مَعَ بَعْضِهِمْ تَعَايُشاً سَلَمِيّاً ، مَعَ احْتِفَاطٍ كُلِّ مِنْهُمْ بِعَقَائِدِهِ ؛ و همه مردم باید با یکدیگر هم زیستی مسالمت آمیز داشته باشند با حفظ هر یک از آن ها از عقاید خود.

لِأَنَّهُ ﴿ كُلِّ حِزْبٍ مِمَّا لَدَيْهِمْ ؛ فَرِحُونَ ﴾ الرُّومُ : ۳۲ زیرا ( هر گروهی به آنچه دارند خوشحال هستند )

أَلْبَلَدُ الْإِسْلَامِيَّةُ مَجْمُوعَةٌ مِنَ الشُّعُوبِ الْكَثِيرَةِ ، تَخْتَلَفُ فِي لُغَاتِهَا وَ أَلْوَانِهَا. کشورهای اسلامی مجموعه ای از ملت های بسیار است که در زبان ها و رنگ هایشان فرق می کنند ( متفاوت هستند )

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى : ﴿ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَى وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا ؛ إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ ﴾ الْحُجُرَات : ۱۳ ؛ خدای تعالی ( بلند مرتبه ) فرموده است : ای مردم ، ما شما را از مرد و زن آفریدیم و شما را ملت ها و قبیله ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید ؛ قطعاً گرامی ترین شما نزد خدا ، پرهیزگارترین شماست .

يَا مُرْنَا الْقُرْآنَ بِالْوَحْدَةِ . ﴿ وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا ... ﴾ آل عمران : ۱۰۳  
قرآن ما را به وحدت و اتحاد دستور می دهد . ( و همگی به ریسمان خدا چنگ بزنید و پراکنده نشوید ... )

يَتَجَلَّى اتِّحَادُ الْأُمَّةِ الْإِسْلَامِيَّةِ فِي صُورٍ كَثِيرَةٍ ، مِنْهَا اجْتِمَاعُ الْمُسْلِمِينَ فِي مَكَانٍ وَاحِدٍ فِي الْحَجِّ . وحدت امت اسلامی در شکل های بسیاری جلوه گر ( نمایان ) می شود ، از جمله جمع شدن ( اجتماع ) مسلمانان در یک مکان در حج است .  
الْمُسْلِمُونَ خُمُسُ سَكَّانِ الْعَالَمِ ، يَعِيشُونَ فِي مَسَاحَةٍ وَاسِعَةٍ مِنَ الْأَرْضِ مِنَ الصِّينِ إِلَى الْمُحِيطِ الْأَطْلَسِيِّ .  
مسلمانان یک پنجم ساکنان دنیا هستند و در مساحتی بزرگ ( وسیع ) از زمین از چین تا اقیانوس اطلس زندگی می کنند .

قَالَ الْإِمَامُ الْخُمَيْنِي رَحِمَهُ اللَّهُ ... : إِذَا قَالَ أَحَدٌ كَلَامًا يُفَرِّقُ الْمُسْلِمِينَ ، فَاعْلَمُوا أَنَّهُ جَاهِلٌ أَوْ عَالِمٌ يُحَاوِلُ إِيجَادَ التَّفْرِقَةِ بَيْنَ صُفُوفِ الْمُسْلِمِينَ . امام خمینی ( ره ) فرمود : .... هرگاه کسی سخنی بگوید که مسلمانان را پراکنده می کند ، بدانید که او نادان است یا دانایی است که تلاش می کند بین صفوف مسلمانان تفرقه ( پراکندگی ) ایجاد کند .  
وَقَالَ قَائِدُنَا آيَةُ اللَّهِ الْخَامِنِي : مَنْ رَأَى مِنْكُمْ أَحَدًا يَدْعُو إِلَى التَّفْرِقَةِ ، فَهُوَ عَمِيلُ الْعَدُوِّ . وَ رَهْبَرِمان آیت الله خامنه ای گفت : هر کس از شما کسی ( فردی ) را دید ( ببیند ) که به تفرقه دعوت می گرد ( فرا می خواند ) ، او مزدور دشمن است .

\*\*\* ❖ \*\*\*

" الْمُعْجَم " ص ۳۷

\*\*\* ❖ \*\*\*

|                                                                         |                                                                                                    |                                       |
|-------------------------------------------------------------------------|----------------------------------------------------------------------------------------------------|---------------------------------------|
| احترام : احترام گذاشت                                                   | تعایش : همزیستی داشت<br>« أَنْ يَتَعَايَشُوا تَعَايِشًا سَلْمِيًّا : که همزیستی مسالمت آمیز کنند » | قائد : رهبر                           |
| احتفاظ : نگاه داشتن                                                     | تفرق : پراکنده شد<br>لَا تَفَرَّقُوا : پراکنده نشوید                                               | قائم : استوار ، ایستاده               |
| إساءة : بدی کردن                                                        | جائز : جایز است                                                                                    | سب : دشنام داد                        |
| استوی : برابر شد                                                        | حیل : طناب « جمع : حبال »                                                                          | سگان : ساکنان                         |
| أشرك : شریک قرار داد                                                    | حرية : آزادی                                                                                       | سلمي : مسالمت آمیز<br>« سلم : صلح »   |
| اعتصم : چنگ زد ( با دست گرفت )                                          | حميم : گرم و صمیمی                                                                                 | سواء : یکسان                          |
| أكَّد : تأکید کرد                                                       | خلاف : اختلاف                                                                                      | على مرَّ العصور : در گذر زمان         |
| أنثى : زن ، ماده                                                        | خمس : یک پنجم                                                                                      | عمیل : مزدور « جمع : عملاء »          |
| آلا : که ن ... آلا نَعْبَدُ : که نپرستیم ( اَنْ + لا + نَعْبُدُ )       | دعا : فرا خواند ، دعا کرد<br>« يَدْعُونَ : فرا می خوانند »                                         | فضل : برتری ، فزونی                   |
| أيُّ إساءة : هرگونه بدی ، هرگونه بی ادبی                                | ذکر : مرد ، نر                                                                                     | لدي : نزد « لَدَيْهِمْ : دارند »      |
| تجلَّى : جلوه گر شد                                                     | فرح : شاد                                                                                          | مع بعض : با همدیگر                    |
| تعارفوا : یکدیگر را شناختند<br>« لِتَعَارَفُوا : تا یکدیگر را بشناسید » | فرق : پراکنده ساخت                                                                                 | من دون الله : به جای خدا ، به غیر خدا |

\*\*\* ❖ \*\*\*

" حول النص " ص ۳۸



عَيْنَ الصَّحِيحِ وَالْخَطَأِ حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ. [X] [✓]

(۱) يَجُوزُ الإصرارُ عَلَى نِقَاطِ الْخِلَافِ وَالْعُدْوَانِ ، لِلدَّفَاعِ عَنِ الْحَقِيقَةِ . غلط

ترجمه : پافشاری بر نقاط اختلاف و دشمنی برای دفاع از حقیقت جایز می باشد .

(۲) رِسَالَةُ الْإِسْلَامِ قَائِمَةٌ عَلَى أُسَاسِ الْمَنَظِقِ وَاجْتِنَابِ الْإِسَاءَةِ . صحیح

ترجمه : رسالت اسلام بر پایه منطق و دوری از بدی استوار است .

(۳) عَلَى كُلِّ النَّاسِ أَنْ يَتَعَاشُوا مَعَ بَعْضِهِمْ تَعَايُشًا سَلَمِيًّا . صحیح

ترجمه : و همه مردم باید با یکدیگر هم زیستی مسالمت آمیز داشته باشند .

(۴) لِبَعْضِ الشُّعُوبِ فَضْلٌ عَلَى الْآخَرِينَ بِسَبَبِ اللَّوْنِ . غلط

ترجمه : برخی ملت ها بخاطر رنگ بر دیگران برتری دارند .

(۵) رُبُّعُ سُكَّانِ الْعَالَمِ مِنَ الْمُسْلِمِينَ . غلط

ترجمه : یک چهارم ساکنان دنیا از مسلمانان هستند .



" إَعْلَمُوا " الْفِعْلُ الثَّلَاثِيُّ الْمَزِيدُ (۲) ص ۳۸



در درس گذشته با چهار باب از فعل های « ثلاثی مزید » آشنا شدیم.

با چهار باب ثلاثی مزید دیگر ( تَفَاعُلٌ ، تَفَعِيلٌ ، مُفَاعَلَةٌ و اِفعال ) آشنا شوید.

| أَلْبَاب    | الْمَاضِي             | الْمُضَارِع                 | الْأَمْر               | الْمَصَدَر                 |
|-------------|-----------------------|-----------------------------|------------------------|----------------------------|
| تَفَاعُلٌ   | تَشَابَهَ : همانند شد | يَتَشَابَهُ : همانند می شود | تَشَابَهَ : همانند شو  | تَشَابَهَ : همانند شدن     |
| تَفَعِيلٌ   | فَرَحَ : شاد کرد      | يُفَرِّحُ : شاد می کند      | فَرِّحْ : شاد کن       | تَفْرِيحٌ : شاد کردن       |
| مُفَاعَلَةٌ | جَالَسَ : همنشینی کرد | يُجَالِسُ : همنشینی می کند  | جَالَسْ : همنشینی کن   | مُجَالَسَةٌ : همنشینی کردن |
| إِفْعَالٌ   | أَخْرَجَ : بیرون آورد | يُخْرِجُ : بیرون می آورد    | أَخْرِجْ : بیرون بیاور | إِخْرَاجٌ : بیرون آوردن    |



" اخْتَبِرْ نَفْسَكَ " ص ۳۹



اخْتَبِرْ نَفْسَكَ : تَرَجِمِ الْأَفْعَالَ الثَّلَاثِيَّةَ الْمَزِيدَةَ ، وَ اكْتُبْ بِأَبْهَاءِهَا.



| باب    | مصدر                          | أمر                      | مضارع                          | ماضی                      |
|--------|-------------------------------|--------------------------|--------------------------------|---------------------------|
| تفاعل  | تَعَامَلٌ : داد و ستد کردن    | تَعَامَلْ : داد و ستد کن | يَتَعَامَلُ : داد و ستد می کند | تَعَامَلَ : داد و ستد کرد |
| تفعیل  | تَعْلِيمٌ : یاد دادن          | عَلِّمْ : یاد بده        | يُعَلِّمُ : یاد می دهد         | عَلَّمَ : یاد داد         |
| مفاعلة | مُكَاتَبَةٌ : نامه نگاری کردن | كَاتِبٌ : نامه نگاری کن  | يُكَاتِبُ : نامه نگاری می کند  | كَاتَبَ : نامه نگاری کرد  |
| إفعال  | إِدْخَالٌ : داخل کردن         | ادْخُلْ : داخل کن        | يَدْخُلُ : داخل می کند         | ادْخَلَ : داخل کرد        |



" حواری " ص ۴۰



( فی صالَة التفتیش بِالْجَمَارِکِ )

در سالن بازرسی گمرگ

|                                                                                                                |                                                                       |
|----------------------------------------------------------------------------------------------------------------|-----------------------------------------------------------------------|
| الزَّائِرَةُ : خانم زائر                                                                                       | شُرْطِي الْجَمَارِکِ : پلیس گمرگ                                      |
| عَلَى عَيْنِي ، يَا أَخِي ، وَ لَكِنْ مَا هِيَ الْمَشْكِلةُ ؟ به روی چشمم برادر ، اما مشکل چیست ؟              | اجلبي هَذِهِ الْحَقِيبَةَ إِلَى هُنَا : این چمدان را به اینجا بیاور . |
| لا بَأْسَ : عیبی ندارد .                                                                                       | تَفْتِيشٌ بَسِيطٌ : یک بازرسی ساده است .                              |
| لِأَسْرَیْ : برای خانواده ام است .                                                                             | عَفْوًا ؛ لِمَنْ هَذِهِ الْحَقِيبَةُ ؟ ببخشید این چمدان مال کیست ؟    |
| تَفَضَّلْ ، حَقِیْقَتِي مَفْتُوحَةٌ لِلتَّفْتِيشِ : بفرما چمدانم برای بازرسی باز است .                         | افْتَحِهَا مِنْ فَضْلِكَ : لطفا آن را باز کن .                        |
| فُرْشَةُ الْأَسْنَانِ وَالْمَعْجُونُ وَالْمِنْشَفَةُ وَالْمَلَأْسُ ... : مسواک و خمیر دندان و حوله و لباس ها . | ماذا فی الْحَقِيبَةِ ؟ در چمدان چیست ؟                                |
| لَيْسَ كِتَابًا ؛ بَلْ دَفْتَرُ الذِّكْرِیَاتِ : کتاب نیست بلکه دفتر خاطرات است .                              | ما هَذَا الْكِتَابُ ؟ این کتاب چیست ؟                                 |
| حُبُوبٌ مُهْدَتَةٌ ، عِنْدِي صُدَاعٌ : قرص های آرام بخش است ، من سر درد دارم .                                 | ما هَذِهِ الْحُبُوبُ ؟ این قرص ها چیست ؟                              |
| وَلَكِنْ أَنَا بِحَاجَةٍ إِلَيْهَا جَدًّا : اما من به آنها خیلی نیاز دارم                                      | هَذِهِ ، غَیْرَ مَسْمُوحَةٍ : این غیرمجاز است ( ممنوع است )           |
| شُكْرًا : متشکرم ( تشکر )                                                                                      | لا بَأْسَ : اشکالی ندارد .                                            |
| فِي أَمَانِ اللَّهِ : خداحافظ                                                                                  | اجْمَعِهَا وَ ادْهَبِي : آنها را جمع کن و برو .                       |



ذِکْرِیَاتِ : خاطرات

مِنْ فَضْلِكَ : لطفاً

جَمَارِکِ : گمرک

صالَة : سالن



" التمارین ۱ " ص ۴۱



الْتَمَرِینُ الْأَوَّلُ : أیُّ کَلِمَةٍ مِنْ کَلِمَاتِ النَّصِّ ، تُنَاسِبُ التَّوْضِیْحَاتِ التَّالِیَةَ ؟

۱- رَئِیسُ الْبِلَادِ ، الَّذِیْ یَأْمُرُ الْمَسْئُولِینَ وَ یَنْصَحُهُمْ لِإِدَاءِ وَاجِبَاتِهِمْ .

ترجمه : رئیس کشور ، کسی است که به مسؤولین دستور می دهد و آنها را برای انجام وظایفشان نصیحت می کند.

پاسخ : قائد : رهبر

۲- جَمَاعَةٌ مِنَ النَّاسِ یَعِیْشُونَ فِی بِلَادٍ وَاحِدَةٍ .

ترجمه : گروهی از مردم که در یک کشور زندگی می کنند.

پاسخ : الشَّعْبُ : ملت ( البته همیشه **المواطن** به معنی **هم وطن** هم گرفت که در درس دوم بکار رفته)

۳- عَرَفَ الْبَعْضُ الْبَعْضَ الْآخَرَ .

ترجمه : با یکدیگر آشنا شدند (بعضی با بعضی دیگر آشنا شدند)

پاسخ : تَعَارَفَ : با همدیگر آشنا شدند

۴- الَّذِیْ یَعْمَلُ لِمَصْلَحَةِ الْعَدُوِّ .

ترجمه : کسی که برای مصلحت دشمن کار می کند.

پاسخ : عمیل : مزدور

۵- جُزْءٌ وَاحِدٌ مِنْ خَمْسَةٍ .

ترجمه : یک جزء از پنج ( یک پنجم )

پاسخ : خُمْس : یک پنجم



" التمارین ۲ " ص ۴۱



الْتَمَرِینُ الثَّانِی : صَعِّ فِي الْفُرَاقِ کَلِمَةً مُنَاسِبَةً مِنَ الْکَلِمَاتِ التَّالِیَةِ . « کَلِمَتَانِ زَائِدَتَانِ »

سَوَاءٍ / الشَّعْبُ / یَجُوزُ / قَائِمَةٌ / فَضْلٌ / لَدَیَّ / مِنْ دُونِ

۱- ..... جَوَّالٌ تَفَرَّغَ بِطَارِیَّتِهِ خِلَالَ نِصْفِ یَوْمٍ .

ترجمه : موبایلی ( تلفن همراهی ) دارم که در مدت نصف روز باتریش خالی می شود .

پاسخ : لَدَيَّ ( دارم )

۲- زُمَلَائِي فِي الدَّرْسِ عَلَى حَدِّ .....

ترجمه : همکلاسی هایم ( دوستانم ) در درس در حدّ مساوی (برابر) هستند.

پاسخ : سَوَاءٍ ( برابر ؛ مساوی ؛ یکسان )

۳- لَصَدِيقِي ..... فِي حُسْنِ الْخُلُقِ .

ترجمه : دوستم درخوش اخلاقی برتری دارد.

پاسخ : فَضْلٌ (برتری)

۴- لَا يَقْبَلُ ..... الْإِيرَانِيَّ أَيَّ ضَغْطٍ .

ترجمه : ملت ایران هیچ فشاری را نمی پذیرد.

پاسخ : الشَّعْبُ ( ملت )

۵- لَا تَعْبُدُوا ..... اللَّهُ أَحَدًا.

ترجمه : به غیر از خدا کسی را عبادت نکنید (کسی را به جای خدا نپرستید)

پاسخ : مِنْ دُونِ ( به جای خدا ، به غیر خدا )



" التمارين ۳ " ص ۴۲



الَّتَمَرِينُ الثَّلَاثُ : تَرْجَمُ إِلَى الْفَارِسِيَّةِ ( هَلْ تَعْلَمُ أَنْ ... : آیا می دانی که ... )

۱- الزَّرَافَةُ لِاتْنَامٍ فِي الْيَوْمِ الْوَاحِدِ إِلَّا أَقَلَّ مِنْ ثَلَاثِينَ دَقِيقَةً وَ عَلَى ثَلَاثِ مَرَاحِلَ ؟

ترجمه : زرافه در یک روز تنها کمتر از سی دقیقه در سه نوبت می خوابد؟

۲- مَقْبَرَةُ « وَادِي السَّلَامِ » فِي النَّجَفِ الْأَشْرَفِ مِنْ أَكْبَرِ الْمَقَابِرِ فِي الْعَالَمِ ؟

ترجمه : قبرستان « وادی السلام » در نجف اشرف از بزرگترین قبرستان ها در دنیا است ؟

۳- الصِّينَ أَوَّلَ دَوْلَةٍ فِي الْعَالَمِ اسْتَخْدَمَتْ نُقُوداً وَرَقِيَّةً ؟

ترجمه : چین اولین دولت در دنیا است که از پول های کاغذی استفاده کرد ( را به کار گرفت ) ؟

۴- الْفَرَسَ قَادِرٌ عَلَى النَّوْمِ وَاقِفًا عَلَى أَقْدَامِهِ ؟

ترجمه : اسب ایستاده روی پاهایش قادر به خوابیدن است ؟

۵- أَكْثَرُ فَيْتَامِينِ C لِلْبُرْتُقَالِ فِي قَشِرِهِ ؟

ترجمه : بیشترین ویتامین C پرتقال در پوستش است ؟

\*\*\*

" التمارین ۴ " ص ۴۳

\*\*\*

الْتَمَرِینُ الرَّابِعُ : تَرْجِمُ الْأَحَادِیثَ النَّبَوِیَّةَ وَ اكْتُبْ نَوْعَ الْأَفْعَالِ الَّتِي تَحْتَهَا خَطٌّ.

۱- قَلْبٌ لَيْسَ فِيهِ شَيْءٌ مِنَ الْحِكْمَةِ كَبِيتَ خَرِبَ فَتَعَلَّمُوا وَ عَلَّمُوا وَ تَفَقَّهُوا وَ لَامَتُوا جَهَالًا ؛ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يَعْدِرُ عَلَى الْجَهْلِ.

ترجمه : قلبی که در آن چیزی از حکمت نیست مانند خانه ای خراب است ، پس علم را یاد بگیرد و به دیگران یاد بدهد و آن را درک کنید ( بفهمید ) و نادان از دنیا نروید ، همانا خداوند برای نادانی هیچ عذری را نمی پذیرد .

پاسخ : عَلَّمُوا : فعل امر / لَا يَعْدِرُ : فعل مضارع منفی

۲- تَعَلَّمُوا الْعِلْمَ وَ تَعَلَّمُوا لَهُ السَّكِينَةَ وَ الْوَقَارَ وَ تَوَاضَعُوا لِمَنْ تَتَعَلَّمُونَ مِنْهُ وَ لِمَنْ تُعَلِّمُونَهُ.

ترجمه : علم را یاد بگیرد و آرامش و متانت را بیاموزد و در برابر کسی که از او علم می آموزد و در برابر کسی که به او علم را یاد می دهد ، فروتنی کنید .

پاسخ : تَعَلَّمُوا : فعل امر / تَوَاضَعُوا : فعل امر / تَتَعَلَّمُونَ : فعل مضارع / تُعَلِّمُونَ : فعل مضارع .

۳- مَثَلُ الْمُؤْمِنِ كَمَثَلِ الْعَطَارِ إِنْ جَالَسْتَهُ نَفَعَكَ ، وَ إِنْ مَاشَيْتَهُ نَفَعَكَ ، وَ إِنْ شَارَكَتَهُ نَفَعَكَ.

ترجمه : مثال مؤمن همانند عطار ( عطر فروش ) است ، اگر با او همنشینی کنی ، به تو سود می رساند .  
و اگر با او همراهی کنی ، به تو سود می رساند و اگر با او مشارکت (همکاری کنی) ، به تو سود می رساند .

پاسخ : شَارَكَتَ : فعل ماضی

۴- لَا تَجْتَمِعُ خَصْلَتَانِ فِي مُؤْمِنٍ : الْبُخْلُ وَ الْكِبْذُ.

ترجمه : دو ویژگی در مومن جمع نمی شود : بُخْل (خسیس بودن) و دروغگویی .

پاسخ : لَا تَجْتَمِعُ : فعل مضارع منفی

تَفَقَّهُوا : دانش بیاموزید      إِنْ جَالَسْتَهُ : اگر با او همنشینی کنی      إِنْ مَاشَيْتَهُ : اگر با او همراهی کنی

\*\*\*

" التمارین ۵ " ص ۳۳

\*\*\*

الْتَمَرِینُ الْخَامِسُ : تَرْجِمُ أَفْعَالَ هَذَا الْجَدُولِ وَ مَصَادِرَهَا.

|           |              |             |           |
|-----------|--------------|-------------|-----------|
| الْمَاضِي | الْمُضَارِعُ | الْمَصْدَرُ | الْأَمْرُ |
|-----------|--------------|-------------|-----------|



|                            |                               |                              |                            |
|----------------------------|-------------------------------|------------------------------|----------------------------|
| أَنْتَجَ : تولید کرد       | يَنْتَجُ : تولید می کند       | إِنْتَجَ : تولید کردن        | أَنْتَجَ : تولید کن        |
| شَجَعَ = تشویق کرد         | يُشَجِّعُ = تشویق می کند      | تَشْجِيعُ = تشویق کردن       | شَجَّعُ = تشویق کن         |
| سَاعَدَ = کمک کرد          | يُسَاعِدُ = کمک می کند        | مُسَاعَدَةٌ = کمک کردن       | سَاعِدُ = کمک کن           |
| تَسَاقَطَ = افتاد          | يَتَساقَطُ = می افتد          | تَسَاقُطُ = افتادن           | تَسَاقَطُ = بیفت           |
| اِسْتَخْدَمَ = به کار گرفت | يَسْتَخْدِمُ = به کار می گیرد | اِسْتِخْدَامُ = به کار گرفتن | اِسْتَخْدِمُ = به کار بگیر |
| اِنتَفَعَ = سود برد        | يَنْتَفِعُ = سود می برد       | اِنتِفَاعُ = سود بردن        | اِنتَفِعُ = سود ببر        |
| تَعَلَّمَ : آموخت          | يَتَعَلَّمُ : می آموزد        | تَعَلَّمَ : آموختن           | تَعَلَّمُ : بیاموز         |
| اِنْكَسَرَ : شکسته شد      | يَنْكَسِرُ : شکسته می شود     | اِنْكَسَارُ : شکسته شدن      | اِنْكَسِرُ : شکسته شو      |



" التمارين ٦ " ص ٤٥



الْتَّمَرِينُ السَّادِسُ : تَرْجِمِ الْآيَاتِ وَ اكْتُبْ نَوْعَ الْأَفْعَالِ فِيهَا وَ صَيِّغَهَا . ﴿نُورُ السَّمَاءِ﴾

١- ﴿وَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَكُمْ﴾ اَلْبَقَرَةُ : ٢٢

ترجمه : و از آسمان آبی فرو فرستاد پس به وسیله آن از میوه‌ها برای شما روزی بیرون آورد.

پاسخ : أَنْزَلَ : فعل ماضی / أَخْرَجَ : فعل ماضی

٢- ﴿اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ﴾ اَلْبَقَرَةُ : ٥٧

ترجمه : خداوند دوستدار کسانی است که ایمان آوردند آنها را از تاریکی ها به سوی نور خارج می کند.

پاسخ : آمَنُوا : ماضی / يُخْرِجُ : مضارع

٣- ﴿فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَ اسْتَغْفِرْ لِذَنْبِكَ﴾ غَافِر : ٥٥

ترجمه : پس صبر کن که وعده خداوند حق است و برای گناهت طلب بخشش ( آمرزش ) کن .

پاسخ : اَصْبِرْ : امر / اسْتَغْفِرْ : امر

٤- ﴿وَ بِالْحَقِّ أَنْزَلْنَاهُ وَ بِالْحَقِّ نَزَّلَ﴾ الْاِسْرَاء : ١٠٥

ترجمه : و به حق آنرا نازل کردیم و به حق نازل شد .

پاسخ : أَنْزَلْنَاهُ : ماضی / نَزَّلَ : ماضی

٥- ﴿قَالَ إِنِّي أُعَلِّمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ﴾ اَلْبَقَرَةُ : ٣٠

ترجمه : گفت : همانا من آنچه را که شما نمی دانید می دانم .

پاسخ : قَالَ : ماضی / أَعْلَمُ : ماضی / لَا تَعْلَمُونَ : مضارع منفی

✧ ✧ ✧ ✧ ✧ ✧

" اَلْبَحْثُ الْعِلْمِيّ " ص ۴۶

✧ ✧ ✧ ✧ ✧ ✧

اِبْحَثْ عَنْ آيَاتٍ فِي كُلِّ مِنْهَا فِعْلٌ مِنْ هَذِهِ الْأَفْعَالِ . ( فِي كُلِّ آيَةٍ فِعْلٌ وَاحِدٌ )

ترجمه : در آیات ( سوره هود ) هر يك از اين فعل ها را جستجو كن ( در هر آيه يك فعل است )

أَرْسَلْنَا . انْتَظِرُوا . اسْتَغْفِرْ . انْبَعَثْ . تَفَرَّقْ . تَعَاوَنُوا . عَلَّمْنَا . يُجَاهِدُونَ